اصفهان امروز

روزنامه فرهنگی، اجتماعی با روش خبری - تحلیلی - اطلاع رسانی
بنیانگذار: عبدالمحمد اکبری | تاسیس: ۱۳۸۳
صاحب امتیاز: شرکت رسانه رویداد پارسی
مدیرمسئول: امیر اکبری سردبیر: سید مهدی رضوی
شنبه ۱۷ مرداد ۱۴۰۵ / سال بیست و دوم / دوره جدید / شماره ۵۴۵۸ | 08Agu2026

نشانی: اصفهان، میدان آزادی، خیابان دانشگاه نرسیده به حکیم نظامی، کوچه شهید مصطفی روحانی (شماره ۱۹)، پلاک ۶، ساختمان رویداد پارسی
تلفن: ۳۶۲۹۳۷۵۰-۰۳۱ (ده خط) فاکس: ۳۶۲۹۳۳۹۲ - ۰۳۱
لیتوگرافی و چاپ: شاخه سبز توزیع: رویداد پارسی

امتیاز در رتبه‌بندی روزنامه‌های سراسر کشور
ضریب کیفی: ۸۴/۷ رتبه آگهی: ۱
آیین نامه اخلاق حرفه ای در لینک «درباره ما» «سایت اصفهان امروز منتشر شده است.
www.esfahanemrooz.ir
@esfahanemrooz esfahanemrooz esfahanemrooz @esfahanemrooz
عضو تعاونی مطبوعات، انجمن مدیران رسانه
www.esfahanemrooz.ir www.rayedadiran.com

خبرنگاری؛ فراتر از روایت

سارا اکبری

روز خبرنگار یادآور مسئولیتی است که هر روز سنگین‌تر می‌شود. سال‌ها پیش، خبرنگار بیشتر روایتگر اتفاقات بود، اما امروز با گسترش شبکه‌های اجتماعی، نقش او دیگر به انتشار خبر محدود نیست.خبرنگار می‌تواند یک مسئله را از میان انبوه خبرها بیرون بکشد، آن را برای مردم روشن کند و زمینه گفت‌وگو و مطالبه‌گری را فراهم کند. بسیاری از تغییرهای اجتماعی، از همین توجه عمومی آغاز شده‌اند؛ از یک گزارش، یک عکس یا چند خط که به موقع منتشر شده است.

در حوزه محیط‌زیست، این مسئولیت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بحران آب، آلودگی هوا، فرونشست زمین و نابودی منابع طبیعی به زندگی همه ما مربوط می‌شود. رسانه اگر این مسائل را پیگیر، مستند و منصفانه دنبال کند، می‌تواند هم حساسیت عمومی ایجاد کند و هم مسئولان را به پاسخگویی وادارد.

شبکه‌های اجتماعی هم اگر درست به کار گرفته شوند، ابزار تازه‌ای هستند که می‌توانند صدای یک مطالبه را بلندتر کنند و مردم را برای مشارکت در حل یک مسئله کنار هم قرار دهند.

هنوز هم باور دارم که خبرنگاری، اگر مستقل، مسئولانه و با دغدغه منافع عمومی انجام شود، می‌تواند آغازگر یک تغییر باشد؛ تغییری که گاهی از چند سطر در یک روزنامه شروع می‌شود و به یک حرکت اجتماعی می‌رسد.

خبرنگار؛ در جست‌وجوی حقیقت

حمیدرضا پناهی

خبر، لحظه‌ای است که از میان غبار شایعات و هیاهوی روزها، شکار می‌شود تا حقیقت را به چشم همگان بنشاند. خبرنگاری، یک نوع «دیدن» است؛ نوعی زیستن با چشمانی که همیشه به دنبال معنایی فراتر از ظاهر هستند.

خبرنگار، میان سر و صدای جهان، گوش تیز می‌کند تا صدای حقیقت را بشنود. او می‌داند که یک کلمه، می‌تواند تاریکی را به روشنایی بدل کند و یک روایت، می‌تواند دریچه‌ای به سوی آگاهی بگشاید. این حرفه، یعنی تمرین مداوم کنجکاوی؛ یعنی ایستادن در میانه تضادها و تلاش برای روایت آنچه «هست»، نه آنچه «باید باشد».ما می‌دانیم که مسیر گاه دشوار و کلمات گاه کوچک هستند؛ اما وقتی می‌بینیم که یک گزارش، پلی میان واقعیت و قلب مخاطب ساخته است، تمام خستگی‌ها رنگ می‌بازد. چرا که تکریم خبرنگار، در واقع تکریم حق دانستن مردم است.

این روز بر همه عزیزان خبرنگار خجسته باد
راهتان استوار قلمتان پرتوان

از ماشین تحریر تا هوش مصنوعی

رانیه جنگیزتانین

اگر پای خاطرات پیشکسوتان خبرنگاری و روزنامه‌نگاری ایران بنشینید، عطر مرکب چاپخانه و صدای تق‌تق ماشین‌های تحریر را در خاطراتشان حس می‌کنید . خاطراتی از روزگارانی که ساختن یک خبر، صبوری عجیبی می‌خواست و پیدا کردن یک آمار یا اطلاعات ساده، ساعت‌ها زمان می‌برد. روز خبرنگار، بهانه‌ای است برای مرور این مسیر طولانی و پرپیچ‌وخم؛ مسیری که خبرنگاران ایرانی در چند دهه گذشته پشت سر گذاشته‌اند و هر نسل، تجربه‌ای متفاوت از آن را زیسته است. در میان همه نسل‌ها، شاید خبرنگاران دهه‌های پنجاه و شصت جایگاهی منحصربه‌فرد داشته باشند؛ آخرین بازماندگان دو دنیای متفاوت خبرنگاری. نسلی که هم روزنامه‌نگاری سنتی را با تمام دشواری‌هایش، از فکس و تلفن‌های سکه‌ای گرفته تا جست‌وجو در آرشیوهای کاغذی، با تمام وجود لمس کرده و هم ورود اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و اکنون هوش مصنوعی را تجربه می‌کند. آن‌ها پلی از جنس تجربه و خاطره میان دو دوره کاملاً متفاوت هستند؛ نسلی که بهتر از هر کسی می‌داند فناوری چگونه می‌تواند چهره خبرنگاری را تغییر دهد، بی‌آنکه روح آن را از بین ببرد. شاید به همین دلیل است که این روزها، با هر بار شنیدن نام هوش مصنوعی و ربات‌های نویسنده، نگرانی‌هایی در تحریریه‌ها شکل می‌گیرد؛ نگرانی از اینکه مبادا این فناوری جای قلم خبرنگاران را بگیرد. اما اگر کمی به گذشته نگاه کنیم، این ترس چندان هم تازه نیست. سال‌ها پیش نیز با ورود کامپیوتر به جای ماشین تحریر یا اینترنت به جای جست‌وجوی دستی در آرشیوها، بسیاری تصور می‌کردند که روزنامه‌نگاری به پایان راه رسیده است. با این حال، تاریخ نشان داد که فناوری نه برای حذف خبرنگار، بلکه برای کاهش سختی‌های کار او آمده است. هوش مصنوعی نیز ادامه همان مسیر است؛ ابزاری پرسرعت و خستگی‌ناپذیر که می‌تواند بخش بزرگی از کارهای زمان‌بر و تکراری را بر عهده بگیرد. پیاده‌سازی ساعت‌ها فایل صوتی، جست‌وجو در انبوهی از داده‌ها، استخراج اطلاعات، تحلیل آمار یا سامان‌دهی اسناد و اطلاعات، تنها بخشی از وظایفی است که هوش مصنوعی با سرعت و دقت بیشتری انجام می‌دهد. این یعنی خبرنگار فرصت بیشتری پیدا می‌کند تا به مهم‌ترین بخش کار خود، یعنی تحقیق، مشاهده، گفت‌وگو و روایت حقیقت بپردازد. با این همه، هنوز مرزی وجود دارد که هیچ کد و الگوریتمی از آن عبور نکرده است. هیچ هوش مصنوعی نمی‌تواند اهمیت حادثه را احساس کند، لرزش صدای یک انسان ستمدیده را درک کند یا از دل یک گفت‌وگو، حقیقتی پنهان را کشف کند. شک، کنجکاوی، نگاه انتقادی، قضاوت اخلاقی و توانایی برقراری ارتباط انسانی، ویژگی‌هایی هستند که همچنان در اختیار خبرنگار باقی می‌مانند. هوش مصنوعی شاید بتواند متنی روان و بی‌نقص تولید کند، اما هنوز نمی‌تواند حقیقت را کشف کند، اعتماد بسازد یا مسئولیت اجتماعی برعهده بگیرد.. روز خبرنگار فرصتی است تا به یاد بیاوریم که ابزارها همواره تغییر می‌کنند و هر روز پیشرفته‌تر می‌شوند، اما آنچه خبرنگاری را زنده نگه می‌دارد، نه ماشین تحریر است، نه کامپیوتر و نه هوش مصنوعی؛ بلکه ذهن خلاق، نگاه پرسشگر و تعهد انسانی خبرنگاری است که هیچ فناوری نمی‌تواند جای آن را بگیرد.

پیشکسوتی را نمی‌توان به خود هدیه داد

محمدرضا شوهانی زواره

هفدهم مرداد که از راه می‌رسد، تلفن‌ها بیشتر زنگ می‌خورند. دعوت‌نامه‌ها یکی پس از دیگری می‌آیند؛ مراسم تجلیل، نشست‌های صمیمانه، عکس‌های یادگاری و لوح‌های تقدیر. این روزها یک اتفاق دیگر هم می‌افتد؛ انگار ناگهان تعداد «پیشکسوتان رسانه» چند برابر می‌شود. هر بار که این واژه را می‌شنوم، ذهنم به چهل سال قبل برمی‌گردد؛ روزهایی که خبرنگار بودن یعنی دویدن، نه دیده شدن. آن روزها نه خبری از اینترنت بود، نه شبکه‌های اجتماعی و نه تلفن همراه. برای گرفتن یک خبر باید ساعت‌ها پشت در اتاق یک مسئول می‌نشستیم یا کیلومترها راه می‌رفتیم تا به محلی برسیم که حادثه‌ای در آن رخ داده بود. بارها زیر برف، باران و آفتاب سوزان ایستادیم تا یک جمله را از زبان یک مسئول بشنویم؛ جمله‌ای که شاید گرهی از کار مردم باز می‌کرد. حقوق چندانی نبود، امکاناتی هم نبود؛ اما عشق بود، تعهد بود و احساس مسئولیتی که اجازه نمی‌داد خبر مردم روی زمین بماند. خبرنگاری را از کلاس درس یاد نگرفتیم؛ در میدان خبر آموختیم. از خبرنگاری شروع کردیم، اشتباه کردیم، تذکر شنیدیم، تیتر زدیم، خبر برگشت خورد، دوباره نوشتیم، دبیر خبر شدیم، سردبیر شدیم و هر روز شاگردی کردیم. آن زمان کسی یک‌شبه روزنامه‌نگار نمی‌شد. در تمام آن سال‌ها، یک جمله را بارها از استادانمان شنیدیم؛ «اعتبار خبرنگار، سرمایه اوست؛ اگر از دست برود، دیگر بازنمی‌گردد.» شاید به همین دلیل بود که بسیاری از خبرهایی را که می‌توانست به نفع این مدیر یا آن جریان سیاسی باشد، منتشر نکردیم؛ چون حقیقت چیز دیگری بود. یاد گرفته بودیم که خبرنگار، وکیل مردم است، نه وکیل صاحبان قدرت. امروز اما گاهی با تعجب می‌بینم که داشتن چند تار موی سپید یا گذشتن از سن بازنشستگی، برای بعضی‌ها کافی است تا خود را پیشکسوت رسانه بنامند. برخی سال‌ها در یک اداره کار کرده‌اند، بعد از بازنشستگی مجوز یک پایگاه خبری گرفته‌اند و حالا در مراسم با عنوان «پیشکسوت رسانه» معرفی می‌شوند. با خودم می‌گویم اگر پیشکسوتی این‌قدر آسان بود، پس آن همه شب‌های بی‌خوابی، آن همه سفرهای سخت، آن همه خطر، آن همه استرس برای انتشار یک خبر درست، چه ارزشی داشت؟ نه... پیشکسوتی را نمی‌توان با حکم اداری، کارت شناسایی یا حتی سابقه سنی به دست آورد. پیشکسوت را مردم معرفی می‌کنند. پیشکسوت را خبرنگاران جوانی معرفی می‌کنند که روزی شاگردش بوده‌اند. پیشکسوت را همکارانی معرفی می‌کنند که سال‌ها صداقت، شرافت و سختکوشی او را دیده‌اند. پیشکسوت کسی است که وقتی نامش برده می‌شود، همه از انصافش بگویند، از شجاعتش، از اخلاقش و از اینکه هرگز قلمش را نفروخت. پیشکسوت کسی است که اگر امروز قلم را کنار بگذارد، دهها خبرنگار حرفه‌ای جای او را گرفته باشند؛ خبرنگارانی که از مکتب او آموخته‌اند چگونه خبر بنویسند، چگونه حرمت مردم را نگه دارند و چگونه حقیقت را قربانی مصلحت نکنند. سال‌هاست که به این نتیجه رسیده‌ام؛ خبرنگاری شغل نیست، شیوه زندگی است. اگر این راه را فقط برای حقوق، شهرت یا جایگاه انتخاب کرده باشی، شاید روزی خبرنگار باشی، اما پیشکسوت نخواهی شد. پیشکسوت، حاصل عمر است؛ حاصل هزاران خبر، صدها گزارش، دهها شاگرد، بی‌شمار خاطره و مهم‌تر از همه، اعتماد مردم. یک حقیقت را هیچ‌وقت نباید فراموش کرد؛ پیشکسوتی عنوانی نیست که انسان برای خودش انتخاب کند؛ افتخاری است که دیگران، پس از سال‌ها خدمت صادقانه، بر شانه‌های او می‌گذارند. این، رسم دیرینه روزنامه‌نگاری بود؛ رسمی که امیدوارم هیچ‌وقت فراموش نشود.

روز خبرنگار؛ روز کسانی که هنوز به حرمت قلم وفادارند

فاطمه کاویانی

هر سال ۱۷ مرداد که می‌رسد، نام خبرنگار بیشتر از روزهای دیگر شنیده می‌شود؛ تبریک‌ها، پیام‌ها و جمله‌های رسمی یکی پس از دیگری منتشر می‌شوند و برای چند ساعت، خبرنگار به صدر توجه‌ها می‌آید. اما شاید بد نباشد در روز خبرنگار، به جای چند جمله تکراری درباره سختی این حرفه، کمی درباره آینده آن فکر کنیم؛ آینده‌ای که بیش از هر زمان دیگری به خبرنگار نیاز دارد. ما در روزگاری زندگی می‌کنیم که هوش مصنوعی می‌تواند در چند ثانیه متن بنویسد، تصویر بسازد، صدا تولید کند و حتی روایتی از یک اتفاق خلق کند که اساساً رخ نداده است. بسیاری از مشاغل در برابر این فناوری در حال تغییرند و برخی نیز ممکن است شکل گذشته خود را از دست بدهند. در چنین جهانی، شاید این پرسش طبیعی باشد که وقتی ماشین می‌تواند خبر تولید کند، خبرنگار چه ضرورتی دارد؟ پاسخ را باید در چیزی فراتر از سرعت جست‌وجو کرد؛ در مسئولیت. امروز هر تلفن همراه یک دوربین است و هر کاربر می‌تواند در چند ثانیه خبری را به هزاران نفر برساند. فاصله میان واقعیت و شایعه گاهی به اندازه یک کلیک است. تصویری جعلی می‌تواند واقعی به نظر برسد، صدایی ساختگی می‌تواند سند تلقی شود و یک خبر نادرست، پیش از آنکه فرصت تکذیب پیدا کند، در ذهن مردم جا بیفتد. در چنین شرایطی، خبرنگار فقط کسی نیست که زودتر از دیگران خبر را می‌بیند؛ کسی است که جرئت می‌کند بپرسد: آیا این خبر درست است؟ شاید مهم‌ترین سرمایه خبرنگار امروز، همین تردید حرفه‌ای باشد؛ تردید در برابر هر ادعا، هر تصویر، هر نقل قول و هر موجی که در فضای مجازی شکل می‌گیرد. خبرنگار باید بتواند میان واقعیت و روایت، میان خبر و هیاهو و میان حقیقت و آنچه فقط شبیه حقیقت است، مرز بکشد. درست همین‌جا، حرمت قلم معنا پیدا می‌کند. قلم خبرنگار می‌تواند آبروی انسانی را حفظ کند یا از میان ببرد؛ می‌تواند مشکلی را به چشم مسئولان بیاورد یا صدای یک انسان فراموش‌شده را به گوش جامعه برساند. بنابراین قلم، فقط ابزار کار خبرنگار نیست؛ امانتی است که باید مراقب آن بود. روز خبرنگار، در حقیقت روز پاسداشت همین امانت است. روز یادآوری اینکه پشت هر خبر، انسانی ایستاده که باید میان سرعت و دقت، میان انتشار و مسئولیت، انتخاب کند. شاید ماشین‌ها روزی بتوانند خبر را سریع‌تر از ما بنویسند؛ اما هنوز این انسان است که باید پای آن خبر بایستد. ۱۷ مرداد روز خبرنگار، روز قلم‌هایی است که هنوز نمی‌خواهند فقط بنویسند؛ می‌خواهند مسئولانه روایت کنند.

روزنامه‌نگاری روی لبه تیغ؛ نگاهی به چالش‌های حرفه خبرنگاری

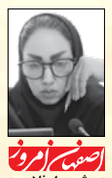

شهرزاد فلاح

پشت هر خبر، روایتی نانوشته از ساعت‌ها پیگیری، انتظار و تلاش خبرنگاری نهفته است که کمتر دیده می‌شود. در آستانه روز خبرنگار، نگاهی داریم به واقعیت‌های کمتر روایت‌شده حرفه‌ای که باوجود همه دشواری‌ها، همچنان بر مدار تعهد و آگاهی‌بخشی می‌چرخد. وقتی مخاطب خبر را روی تلفن همراه خود می‌خواند، شاید نداند انتشار همان چند خط، حاصل ساعت‌ها تماس، پیگیری و حضور میدانی خبرنگار است. خبرنگاری از معدود حرفه‌هایی است که زمان نمی‌شناسد؛ حادثه، نشست، بحران یا رویداد فرهنگی منتظر ساعت اداری نمی‌ماند و خبرنگار باید در کوتاه‌ترین زمان خود را به محل برساند. در اصفهان نیز خبرنگاران بارها در خط مقدم اطلاع‌رسانی درباره بحران آب و زاینده‌رود، فرونشست زمین، آلودگی هوا، حوادث شهری و رویدادهای اجتماعی و فرهنگی حضور داشته‌اند؛ حضوری که معمولاً تنها با نامی کوچک زیر یک خبر دیده می‌شود و ساعت‌ها تلاش پشت آن کمتر به چشم می‌آید. امروز دشواری این حرفه فقط حجم کار نیست. کمبود امکانات، مشکلات معیشتی، نبود امنیت شغلی، وضعیت نامناسب بیمه و فرسودگی شغلی نیز بخشی از واقعیت زندگی حرفه‌ای خبرنگاران است؛ مشکلاتی که برخی نیروهای باسابقه را به فاصله‌گرفتن از رسانه واداشته است. تلفن همراه امروز مهم‌ترین ابزار بسیاری از خبرنگاران است؛ ابزاری که باید هم‌زمان دوربین، ضبط صدا، دفتریادداشت و وسیله ارسال خبر باشد. با این حال، هزینه بالای تجهیزات باعث شده بسیاری با امکانات شخصی و گاه فرسوده کار کنند. اینترنت نامناسب و اختلال ارتباطات نیز ارسال فوری خبر، عکس و فیلم را دشوار می‌کند. درحالی‌که رسانه امروز به‌عکس، فیلم، محتوای چندرسانه‌ای و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی نیاز دارد، خبرنگار گاهی همه این مسئولیت‌ها را با حداقل امکانات بر عهده می‌گیرد. روزنامه‌نگاری فقط نوشتن خبر نیست؛ دسترسی به اطلاعات، حضور در رویدادها و امکان پرسشگری نیز بخش مهمی از آن است. با این حال، گاهی هماهنگی‌های اداری، سخت‌گیری‌های غیرضروری یا نگاه نادرست به جایگاه رسانه، خبرنگار را پشت درهای رویداد نگه می‌دارد و امکان تهیه روایت دقیق را از او می‌گیرد. این دشواری در شرایط بحرانی بیشتر می‌شود. در روزهای حادثه، بحران یا اختلال ارتباطات، مردم بیش از همیشه به اطلاعات دقیق و قابل‌اعتماد نیاز دارند، اما خبرنگار هم‌زمان با افزایش مسئولیت، با دشواری دسترسی و ارسال محتوا روبه‌روست. تجربه روزهایی که فرستادن یک خبر، عکس یا گزارش میدانی به دلیل مشکلات ارتباطی دشوار شده، برای بسیاری از خبرنگاران فراموش‌نشدنی است. یکی از تلخ‌ترین واقعیت‌های سال‌های اخیر، فاصله‌گرفتن خبرنگاران باتجربه از رسانه است. مشکلات معیشتی، نبود امنیت شغلی، بیمه و آینده نامطمئن، برخی را به سمت روابط‌عمومی، نویسندگی، ویراستاری، تولید محتوا یا آموزش روزنامه‌نگاری برده است. این تغییر مسیر برای فرد شاید انتخابی تازه باشد، اما برای رسانه به معنای از دست‌دادن سرمایه‌ای است که با سال‌ها حضور در میدان، شناخت منابع و تجربه بحران‌ها شکل‌گرفته است. نسل جوان نیز باانگیزه وارد رسانه می‌شود، اما این پرسش پابرجاست که آیا علاقه به خبرنگاری، بدون حمایت شغلی، بیمه مناسب و چشم‌انداز اقتصادی روشن، می‌تواند ماندگاری آنان را تضمین کند؟ روز خبرنگار فقط یک مناسبت در تقویم نیست؛ فرصتی است برای دیدن بخش کمتر دیده‌شده حرفه‌ای که بخش مهمی از آگاهی جامعه بر دوش آن قرار دارد. بهبود شرایط معیشتی، امنیت شغلی، بیمه مناسب، تجهیزات کافی، دسترسی آسان‌تر به رویدادها و احترام به جایگاه رسانه می‌تواند به ماندگاری نیروهای توانمند کمک کند. خبرنگاری تنها حضور در یک نشست یا نوشتن چند پاراگراف نیست؛ پشت هر گزارش، ساعت‌ها تلاش، پیگیری و مسئولیتی وجود دارد که از چشم مخاطب پنهان می‌ماند. خبرنگاران اصفهان نیز سال‌هاست با وجود محدودیت‌ها، رویدادهای مهم شهر و استان را در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محیط‌زیست ثبت کرده‌اند. شاید بهترین قدردانی از خبرنگاران، تنها پیام تبریک نباشد؛ بلکه فراهم‌کردن شرایطی باشد که آنان با امنیت، آرامش و امکانات مناسب، رسالت حرفه‌ای خود را انجام دهند. تا زمانی که خبرنگار قلم را زمین نگذارد، چراغ روایت و آگاهی نیز خاموش نخواهد شد.

قلم آخرین سنگر حقیقت

آزاده پناهی

بعضی عشق‌ها را نمی‌شود با گذر زمان از یاد برد؛ حتی اگر دنیا هزار بار تغییر کند.روزنامه‌نگاری برای من بخشی از زندگی‌ام بوده؛ زندگی با بوی کاغذ، صدای ماشین چاپ، هیجان بسته شدن آخرین صفحه و امیدی که هر صبح با انتشار یک روزنامه دوباره متولد می‌شد. سال‌ها پیش، وقتی نخستین قدم‌هایم را در دفتر روزنامه برداشتم، تصور نمی‌کردم روزی در دنیایی زندگی کنیم که خبر، پیش از آنکه راستی‌آزمایی شود، هزاران بار دست‌به‌دست شود و حقیقت، گاهی زیر آوار شتاب و هیاهو پنهان بماند. اما در تمام این سال‌ها یک باور در وجودم تغییر نکرد؛ اینکه ارزش خبر، نه به سرعت انتشار، بلکه به صداقت آن است.ما روزنامه‌نگاران، شاهد روزهای تلخ و شیرین این سرزمین بوده‌ایم؛ روزهایی که اشک مردم را دیده‌ایم، لبخندشان را روایت کرده‌ایم، از امید نوشته‌ایم، از درد گفته‌ایم و گاهی خودمان نیز در سکوت، بار سنگین تمام آن روایت‌ها را بر دوش کشیده‌ایم. شاید نام ما کمتر دیده شود، اما رد قلممان در حافظه روزگار باقی می‌ماند.

امروز، هرچند روزنامه‌های کاغذی دیگر شکوه سال‌های دور را ندارند و رسانه‌ها ناگزیر به دنیای دیجیتال کوچ کرده‌اند، اما آنچه یک رسانه را زنده نگه می‌دارد، نه کاغذ است و نه صفحه نمایش؛ بلکه وجدان بیدار خبرنگاری است که حقیقت را قربانی منفعت نمی‌کند و اعتماد مردم را سرمایه اصلی خود می‌داند.روز خبرنگار، روز یادآوری یک عهد است؛ عهد با حقیقت، با مردم و با قلم.به همه همکارانی که در این روزگار دشوار، با وجود همه فشارهای اقتصادی، محدودیت‌ها، بی‌مهری‌ها و ناامیدی‌ها، هنوز چراغ تحریریه‌ها را روشن نگه داشته‌اند، ادای احترام می‌کنم. آنان که شاید دستاوردشان نه ثروت باشد و نه شهرت، اما سرمایه‌ای دارند که با هیچ چیز قابل معاوضه نیست و آن چیزی نیست جز شرافت حرفه‌ای.و من امروز پس از بیست‌وسه سال، هنوز بر این باورم که تا انسان به حقیقت نیاز دارد، قلم نیز زنده خواهد ماند.

روز خبرنگار بر تمام راویان صادق حقیقت مبارک باد.

خبرنگار؛ راوی حقیقت در عصر جنگ روایت‌ها

نجمه سیددخت: با نخستین صدای انفجار از خواب پرید. می‌دانست روزهاست سایه جنگ و تهدید بر سر شهر سنگینی می‌کند؛ اما هیچ‌گاه گمان نمی‌کرد آن صدا، آغاز فصلی باشد که تا پایان عمر از ذهنش پاک نخواهد شد. هنوز خواب از چشمانش نپریده بود که موج انفجار، شیشه‌ها را لرزاند و سکوت سحرگاه را در هم شکست. چند لحظه طول کشید تا آنچه رخ داده بود را باور کند؛ ارتکاب جنایتی جنگی و وحشیانه با بمباران مدرسه‌ای در میناب! گوشی را برداشت و بی درنگ خود را به خیابان رساند. هرچه به محل حادثه نزدیک‌تر می‌شد، بوی دود و خاک، سنگینی فضا و اضطراب مردم بیشتر می‌شد. در میان آوار، فریادهایی به گوش می‌رسید که هیچ خبرنگاری آرزو ندارد روزی آن‌ها را بشنود؛ صدای مادری که فرزندش را صدا می‌زد، ناله مجروحانی که چشم‌انتظار امداد بودند و سکوت تلخی که پس از هر انفجار، بر شهر سایه می‌انداخت. او پیش از آنکه خبرنگار باشد، یک انسان است؛ انسانی که دلش می‌خواهد دوربین را زمین بگذارد، دست کودکی زخمی را بگیرد و او را از زیر آوار بیرون بکشد و در غم بازماندگان شریک شود. در دوراهی حس انسانیت و رسالت خبرنگاری دوربینش را روشن می‌کند. می‌داند اگر آنچه را که می‌بیند ثبت نکند و اگر واقعیت آنگونه که هست، منعکس نشود، عرصه خبرسازی به دشمن سپرده خواهد شد. با بغضی در گلو و اشک در چشم شاتل دوربین را یکی پس از دیگری به صدا در می‌آورد و دکمه ثبت را می‌فشارد. شاید هیچ تصمیمی برای یک خبرنگار تلخ‌تر از آن نباشد که میان امدادرسانی و ثبت حقیقت، در چند ثانیه انتخاب کند؛ انتخابی که نه از سر بی‌اعتنایی به رنج انسان‌ها؛ بلکه از ایمان به این باور برمی‌خیزد که حقیقتِ ثبت‌شده، می‌تواند مانع تکرار جنایت و قربانی شدن حقیقت در هیاهوی تبلیغات شود. خبرنگار، هر روز با واقعه‌ای جدید روبه‌روست و در این رویارویی ملزم به کشف حقیقت در کوتاه‌ترین زمان است؛ حقیقتی که گاه در پشت دود و آتش پنهان شده، گاه زیر آوار زلزله، گاه در میان فریاد جنگ و گاه در سکوت تلخ خانوادای داغدار. او نخستین کسی است که به متن حادثه می‌رسد و آخرین کسی است که میدان را ترک می‌کند. شاید از همین روست که خبرنگاری را از پرمخاطره‌ترین حرفه‌های جهان و جزو مشاغل سخت و زیان آور دانسته‌اند؛ حرفه‌ای که امنیت شغلی، آرامش روانی و حتی جان صاحبانش، بارها قربانی رسالت اطلاع‌رسانی شده است. خبرنگار، پیش از آنکه نویسنده خبر باشد، امانتدار حقیقت است و این امانت، در روزگار آشوب‌های جهانی، از هر زمان دیگری سنگین‌تر شده است. تحولات پرشتاب منطقه در عصر حاضر، از جمله تجاوز وحشیانه ارتش‌های تروریستی آمریکا و رژیم غاصب صهیونیستی به ایران، بار دیگر نشان داد که جنگ امروز تنها در آسمان و زمین رخ نمی‌دهد؛ بلکه در ذهن مخاطبان نیز جریان دارد. همگان شاهد بودیم که همزمان با شروع عملیات نظامی در جنگ ۱۲ روزه و سپس ۴۰ روزه، میلیون‌ها پیام، تصویر، ویدئو و روایت در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های بین‌المللی منتشر شد. هر طرف کوشید روایت خود را بازتعریف کند؛ گاه با انتشار تصاویر واقعی، گاه با استفاده از تصاویر قدیمی، هوش مصنوعی، اطلاعات ناقص و یا تحلیل‌های جهت‌دار. این همان چیزی است که امروز در ادبیات راهبردی از آن با عنوان جنگ ترکیبی و نبرد روایت‌ها یاد می‌شود؛ نبردی که هدف آن تصرف سرزمین نیست؛ بلکه تصرف ذهن انسان‌هاست. در این میان، رسانه‌های ایرانی نیز رسالتی ملی و میهنی بردوش داشتند و رسانه‌های انقلابی مانند همیشه تلاش کردند روایت رسمی کشور را از تحولات ارائه کنند و با پوشش میدانی، گفت‌وگو با کارشناسان، انتشار گزارش‌های تحلیلی و تولید محتواهایی در پاسخ به روایت‌های رقیب، در این میدان حضوری به‌موقع و اثرگذار داشته باشند. فارغ از ارزیابی میزان موفقیت هر رسانه، این واقعیت انکارناپذیر است؛ در جهان امروز، هر کشوری که در عرصه روایت منفعل باشد؛ حتی اگر در میدان نظامی دست بالا را داشته باشد، ممکن است در افکار عمومی جهانی بازنده تلقی شود. جنگ امروز، جنگ روایت‌هاست و رسانه، یکی از مهم‌ترین اضلاع قدرت ملی محسوب می‌شود. با وجود این رسالت بزرگ، خبرنگاران ایرانی با دشواری‌های متعددی روبه‌رو هستند؛ درآمد پایین، قراردادهای ناپایدار، ضعف بیمه و حمایت‌های صنفی، فرسودگی شغلی، فشارهای روانی ناشی از پوشش بحران‌ها و حوادث، کمبود تجهیزات حرفه‌ای و وضعیت نامناسب اقتصادی بسیاری از رسانه‌ها، بخشی از واقعیت امروز روزنامه‌نگاری ایران است. بسیاری از رسانه‌های محلی و منطقه‌ای سال‌هاست با کمترین امکانات؛ اما با بیشترین انگیزه، چراغ اطلاع‌رسانی را روشن نگه داشته‌اند؛ چراغی که اگر خاموش شود، جامعه نیز بخشی از توان دیدن و شنیدن خود را از دست خواهد داد. در واقع روز خبرنگار، تنها روز تقدیر از صاحبان قلم و دوربین نیست؛ فرصتی است برای بازتعریف مفهوم خبرنگاری در ایران. امروز بیش از هر زمان دیگر، رسانه‌های کشور نیازمند بازنگری در شیوه خبرنویسی هستند. حذف حشو و تکرارهای ملال‌آور، پرهیز از کلیشه‌های اداری، فاصله گرفتن از بولتن‌نویسی و انتشار صرف اخبار روابط عمومی دستگاه‌ها، توجه به گزارش‌های میدانی، روزنامه‌نگاری داده‌محور، روایت‌های انسانی و پرداختن به مسائل واقعی مردم، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. رسانه‌ای که تنها تریبون بازتاب عملکرد وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها باشد، به‌تدریج از جامعه فاصله می‌گیرد؛ اما رسانه‌ای که صدای مردم را بشنود، دردها را روایت کند، حقیقت را جست‌وجو کند و قدرت را مسئولانه نقد کند، سرمایه‌ای ملی خواهد بود. اگر قرار است روز خبرنگار مفهومی فراتر از یک مناسبت تشریفاتی و تقویمی داشته باشد، باید این روز را نقطه آغاز نوسازی روزنامه‌نگاری ایران دانست؛ روزی برای بازگشت به اصالت خبر، پاسداشت حقیقت و احیای اعتماد عمومی؛ سرمایه‌ای که هیچ رسانه‌ای بدون آن ماندگار نخواهد بود.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده (نوبت دوم) شرکت تعاونی توسعه وعمران کوثر شهرستان نطنز

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۵/۱۷

بدینوسیله به اطلاع می رساند:
جلسه مجمع عمومی عادی بطورفوق العاده (نوبت دوم) شرکت تعاونی توسعه وعمران کوثر شهرستان نطنز راس ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز جمعه مورخ ۱۴۰۵/۰۵/۳۰ در محل سالن اجتماعات امامزاده شاهزاده عبداله(ع) به نشانی :اصفهان- نطنز - محله علیا- جنب امامزاده شاهزاده عبداله(ع) نطنز به صورت حضوری تشکیل میگردد.
* لذا از کلیه اعضاء دعوت می شود با در دست داشتن کارت و یا دفترچه عضویت راس ساعت مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانید و یا وکیل / نماینده خود را کتباً معرفی نمایید.
ضمناً به اطلاع می رساند که به موجب ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی ؛ تعداد آراء وکالتی هر عضو ۳ رای و هرشخص غیرعضوتنها یک رای خواهد بود و اعضای متقاضی اعطای نمایندگی ، می‌بایست به‌همراه نماینده خود حداکثر تا تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۸ در محل دفتر شرکت تعاونی حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت، برگه ورود به مجمع را دریافت دارند.

دستور جلسه:
- گزارش هیئت مدیره و بازرسان شرکت
- طرح و تصویب صورتهای مالی منتهی به پایان سال ۱۴۰۴/۱۲/۲۹.
- افزایش سرمایه شرکت
- گزارش آخرین تغییرات اعضا وسرمایه شرکت تعاونی
- انتخاب بازرسان اصلی و علی البدل
- تعیین خط مشی آینده شرکت تعاونی

هیئت مدیره شرکت تعاونی